

غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه ۱

حجه الاسلام دکتر غلامرضا مصباحی مقدم*
اسماعیل رستم زاده گنجی**

چکیده

مسئله غرر در مبادلات همواره مد نظر فقه شیعه بوده است و مسلمانان همواره سعی در اجتناب از مبادلات غرری داشته‌اند. معامله غرری معامله‌ای است که به‌نحوی از انحاء عاقبت و نتیجه آن مبهم باشد و این ابهام سبب ایجاد احتمال زیان در حد غیر متعارف شود. به‌طور کلی سه مورد اصلی در غرر شامل غرر ناشی از ابهام در اصل وجود مبیع، غرر ناشی از وجود ابهام در صفات مبیع و غرر ناشی از وجود ابهام در قدرت بر تسلیم مبیع مطرح است. از جمله معاملاتی که در بحث مدیریت ریسک در دنیا کاربرد زیادی دارد، معامله اختیارات بر روی سهام می‌باشد که شبهه غرری بودن این معاملات از جمله شبهه‌هایی است که در به‌کارگیری این ابزار مالی همواره محل بحث بوده است. با نگاه دقیق فقهی می‌توان نتیجه گرفت که مبادلات این ابزار شامل دو بخش معاوضه تعهد با ثمن و بیع حق می‌باشد. در مورد حق نیز همواره بین فقها، اختلاف بر سر امکان مبیع قرار گرفتن آن وجود داشته است. با بررسی دلایل مخالفان و موافقان سرانجام این نتیجه حاصل شد که بیع حق از دیدگاه برخی از فقهای امامیه از جمله امام خمینی (ره) بلاشکال است. وجود ریسک اعتباری در این بیع و نیز وجود ابهام در صفت قیمت اختیار و نیز نحوه انتقال مالکیت حق به‌وسیله قرارداد اختیار از جمله مسائلی هستند که سبب ایجاد شبهه غرری بودن در

۱- تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۲۹؛ تاریخ تأیید: ۸۶/۱۰/۲۵.

* استادیار دانشگاه امام صادق (ع).

** کارشناس ارشد دانشگاه امام صادق (ع): rganji79@yahoo.com

این مبادلات می‌شوند. با توجه به نقش اتاق پایاپای و نیز رایج بودن ابزار انتقال اعتبار بین عقلاء می‌توان شبیهه غرری بودن این مبادلات را از منظر فقه امامیه منتفی دانست.

واژگان کلیدی: غرر، اختیار معامله سهام، حق، ابهام و بیع.

طبقه‌بندی JEL: G19



مقدمه

تغییرات سریع دنیای امروز استفاده از روشها و ابزارهای جدید و کارآمد را ضروری نموده است. در بازارهای مالی بروز چنین تغییراتی افزون بر محاسن آن، سبب ایجاد مسائل و مشکلاتی شده است. از جمله مهمترین این مسائل بروز نوسانات و ایجاد حالت عدم ثبات در قیمت محصولات است که این نیز به نوبه خود سبب ایجاد مقوله‌ای به نام ریسک شده است. برای پوشش ریسک روشهای مختلفی استفاده می‌شود که استفاده از «ابزارهای مشتقه» یکی از این روشهای کارآست. «اختیار معامله» یکی از کاربردی‌ترین ابزارهای مشتقه است و اختیار معامله بر روی سهام یکی از انواع آن است. این ابزار همان‌گونه که توضیح داده خواهد شد به یکی از طرفین معامله (خریدار) حقی مبنی بر انجام یا عدم انجام معامله سهام در آینده را می‌دهد. این ابزار در تعدادی از کشورهای اسلامی به کار گرفته شده است و برخی از کشورهای اسلامی بنا به دلایلی هنوز از این ابزار استفاده ننموده‌اند. یکی از این دلایل وجود مشکلاتی بر سر تطبیق این قرارداد با برخی از منهیات شرع مقدس اسلام است که مسئله غرر یکی از آنهاست. این مقاله ضمن ارائه توضیحاتی در مورد اختیار معامله و نیز تبیین برخی از ابعاد مسئله غرر، این قرارداد را از لحاظ تطبیق محتوای آن با قاعده نفی غرر بررسی می‌کند. در نهایت جهت تبیین اهمیت بحث، برخی از کاربردهای آن در جمهوری اسلامی ایران ارایه می‌شود.

۱. ریسک و پوشش آن

امروزه معاملات اقتصادی در بازارهای بزرگ جهانی، بسیار پیچیده هستند و متغیرهای زیادی دارند. یکی از این متغیرها «ریسک» است. ریسک همواره با مبادلات انسانی همراه بوده است. از دیدگاه نظری، هر فعالیت اقتصادی توأم با درجه‌ای از

ریسک است. چون «شرایط عدم اطمینان^۱» که منشأ اصلی ریسک به‌شمار می‌رود، همواره در انواع معاملات به چشم می‌خورد. از این‌رو همواره روشهایی برای مقابله با آن به‌کار گرفته شده است. حذف، گوناگون‌سازی، استقبال برای سفته‌بازی و قبول ریسک از جمله روشهای مواجهه با ریسک است. اما روشی که امروزه بیشترین توجه را به‌خود جلب نموده است و روزبه‌روز نیز گسترش می‌یابد «پوشش ریسک^۲» یا به‌عبارت بهتر «مدیریت آگاهانه ریسک» است. در این روش مدیر به‌صورت آگاهانه، ریسک دیگری را که همبستگی منفی با ریسک اولیه دارد می‌پذیرد. در بحث اختیارات، این کار از طریق انجام یک «معامله جبرانی» صورت می‌گیرد. در حقیقت ریسک اول و دوم در جهت مخالف یکدیگرند (درخشان، ۱۳۸۳، ص ۴). در این مقاله یکی از روشهای معمول پوشش ریسک یعنی ابزارهای مشتقه بررسی می‌شود.

در اقتصاد مالی، «مشتقات» به‌معنای مجموعه‌ای از ابزارها یا اسنادی است که خصوصیات مشترکی دارند. علت نام‌گذاری «ابزارهای مشتق» این است که ارزش آنها مشتق از قیمت «دارایی پایه» آنهاست و تغییرات قیمت برای هر یک از آنها تابعی از تغییرات قیمت دارایی پایه آنها است. البته در دنیای امروز و در کشورهایی که از این ابزارها به‌طور گسترده استفاده می‌شود در بسیاری از مواقع استفاده از این ابزارها منجر به مبادله فیزیکی کالا نمی‌شود و در عمل انجام معاملات این ابزارها به‌گونه‌ای است که مدیریت ریسک، یکی از آثار مترتب بر آن می‌شود و نمی‌توان گفت که تنها دلیل استفاده از این ابزارها در دنیای امروز مدیریت ریسک است و گاهی اوقات، کسب سود، هدف اصلی در استفاده از این ابزارها است.

به‌طورکلی مشتقات به چهار گروه «سلفها^۳»، «آتی‌ها^۴»، «اختیارات^۵» و «معاوضات^۶» تقسیم می‌شوند. تمامی این ابزارها در حقیقت نوعی ابزار برای انجام

1 - Uncertainty Condition.

2 - Hedging the Risk .

3 - Forwards.

4 - Futures.

5 - Options.

6 - Swaps.

معاملات در آینده است که هرکدام از آنها دارای خصوصیتی متمایز از بقیه می‌باشد که برای کالاها و منظوره‌های مختلف به‌کار می‌روند (درخشان، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

در این مقاله ابزار اختیار معامله به‌عنوان یکی از کارآترین مشتقات در دنیای امروز بررسی می‌شود. بنابراین ابتدا تعریف، سپس انواع آن و در نهایت مشخصات یک نوع از آن یعنی اختیار معامله سهام ارایه می‌شود. در ابتدا تعریفی از اختیار معامله بیان می‌شود:

«اختیار، سند یا قراردادی است که دارنده یا «خریدار» می‌تواند در قبال پرداخت قیمت اختیار به صادرکننده یا به «فروشنده»^۲، این حق را به‌دست آورد که «دارایی پایه»^۳ قرارداد را با «قیمت توافقی»^۴ در تاریخ معین یا قبل از آن، از صادرکننده این قرارداد بخرد یا به او بفروشد بدون آنکه متعهد به این خرید یا فروش باشد» (درخشان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲).

فرض کنید امروز ۸۶/۱۰/۲۵ است، فردی ۵۰۰۰ سهم به قیمت هر سهم ۱۰۰۰ ریال دارد و قصد دارد این سهام را طی یک ماه آینده بفروشد. اما از بابت سقوط قیمت سهام به‌شدت نگران است، از این‌رو تصمیم می‌گیرد یک اختیار فروش از فرد دیگری بخرد. مفاد این قرارداد عبارتند از حق فروش ۵۰۰۰ سهم برای خریدار به قیمت هر سهم ۱۲۰۰ ریال به فروشنده اختیار در تاریخ ۸۶/۱۱/۳۱ در ازای پرداخت مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال به فروشنده حین امضای قرارداد. طبق این سند، خریدار این حق را دارد که در سررسید حتی اگر قیمت سهم در بازار کمتر از ۱۲۰۰ ریال باشد سهم را به قیمت مندرج در قرارداد، یعنی ۱۲۰۰ ریال به فروشنده اختیار بفروشد و در مقابل، فروشنده متعهد است که سهام را به قیمت ۱۲۰۰ ریال بخرد. در این مثال ۱۲۰۰ ریال به‌ازای هر سهم را قیمت اجرایی یا قیمت توافقی (قیمتی که اختیار به‌ازای آن اجرا می‌شود) می‌گویند. تاریخ ۸۶/۱۱/۳۱ یعنی آخرین مهلت برای اجرای معامله را

1 - Option Buyer , Option Holder , Option Taker .

2 - Option Writer , Option Seller , Option Grantor.

3 - Underlying Asset , Underlying Instrument .

4 - Exercise Price , Strike Price , the price at which an option may be exercised .

اصطلاحاً تاریخ انقضاء یا «سررسید اختیار معامله^۱» می‌نامند و هر روزی را که خریدار قبل از انقضای تاریخ اختیار، اقدام به فروش سهام به فروشنده اختیار برحسب قرارداد کند را «تاریخ اجرای اختیار^۲» گویند. مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال نیز که به دلیل دریافت حق فروش به خریدار، از او دریافت شده است را «حق امتیاز معامله^۳» می‌نامند. دارایی را که قرارداد اختیار معامله بر روی آن بسته می‌شود و در حقیقت موضوع معامله به شمار می‌رود را «دارایی پایه» می‌گویند که در مثال ما دارایی پایه، سهام است. حال اگر در تاریخ سررسید یا قبل آن قیمت هر سهم به ۱۲۳۰ ریال برسد قیمت اختیار به ۱۵۰۰۰۰ ریال یعنی $[150000 = (1230 \times 5000) - (1200 \times 5000)]$ خواهد رسید. نکته قابل توجه در مورد اختیار این است که اختیار، نوعی «حق» برای خریدار آن ایجاد می‌کند ولی برای فروشنده ایجاد «تعهد» می‌کند.

۲. انواع اختیارات

همان‌گونه که از تعریف اختیار معامله پیداست، به‌طور کلی دو نوع قرارداد اختیار معامله وجود دارد: نخست، «قرارداد اختیار خرید^۴»: این قرارداد به دارنده آن، حق می‌دهد تا دارایی را در تاریخ معینی و با قیمت مشخصی خریداری نماید؛ دوم، «قرارداد اختیار فروش^۵»: این قرارداد به دارنده آن، حق فروش یک دارایی در تاریخ معین و با قیمت مشخص را می‌دهد.

هر اختیار معامله می‌تواند آمریکایی یا اروپایی باشد. تفاوت این دو نوع اختیار معامله ربطی به منطقه جغرافیایی ندارد. اختیار معامله آمریکایی در هر زمان از طول دوره عمر قرارداد تا تاریخ انقضاء یا در تاریخ سررسید قابل اعمال است، ولی اختیار معامله اروپایی تنها در تاریخ انقضای آن قابل اعمال است.

1 - Expiration Date, Maturity, or Declaration Date.

2 - Exercise Date.

3 - Premium.

4 - Call Option.

5 - Put Option.

۳. انجام مبادلات از طریق شرکت پایاپای اختیار معامله (OCC)^۱

در مورد سازوکارهای اجرایی مبادلات باید گفت که این مبادلات در بورسهای اختیار معامله توسط شرکت پایاپای انجام می‌گیرد. شرکت پایاپای اختیار معامله، یک شرکت مستقل است که انجام تعهدات فروشنده اختیار معامله را تضمین می‌کند و تمام موقعیتهای خرید و فروش اختیار معامله را ثبت و نگهداری می‌نماید. این شرکت دارای تعدادی عضو است که تمام اختیار معاملات بایستی از طریق یکی از اعضای مزبور انجام شود. چنانچه شرکت کارگزاری خودش عضو OCC بورس نباشد، الزاماً بایستی معاملات خود را از طریق اعضای OCC انجام دهد. هریک از اعضای OCC باید یک سرمایه حداقل مورد نیاز، نزد OCC داشته باشد تا در صورت ورشکستگی و عدم توان انجام تعهد توسط عضو مربوطه، در کنار وجوه خاصی که بدین منظور نگهداری می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد.

هنگامی که یک اختیار معامله خریداری می‌شود، خریدار باید تا صبح روز کاری بعد، پرداخت را به‌طور کامل انجام دهد. این وجوه به حساب OCC واریز می‌شود. فروشنده اختیار معامله، دارای یک حساب ودیعه با کارگزار است و وی ودیعه را نگه می‌دارد. کارگزاران نیز به‌نوبه خود یک حساب ودیعه‌ای را نزد اعضای OCC نگه می‌دارند. اعضای OCC نیز نزد OCC دارای حساب ودیعه می‌باشند. ودیعه درخواستی که در بخش قبل توضیح داده شد، توسط OCC بر اعضای آن تحمیل می‌شود. یک شرکت کارگزار ممکن است با توجه به وضعیت مشتری، مبلغ بیشتری به‌عنوان ودیعه یا اعتبار طلب کند، ولی در هر حال نمی‌تواند مبلغ کمتری از ودیعه لازم را درخواست کند.

اکنون توضیحاتی در مورد قاعده نفی غرر و نیز تبیین موارد غرری بودن معامله ارائه می‌شود تا در مرحله بعد این سؤال بررسی شود که آیا موارد مطرح شده، در معاملات اختیارات نیز وجود دارند یا خیر؟

۴. تعریف غرر

از آنجا که دادوستد، همواره بخش اجتناب‌ناپذیر از روابط جوامع انسانی بوده است، جامعه مدنظر دین مبین اسلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به این نیاز اساسی انسان که ناشی از روابط اجتماعی اوست توجه کافی مبذول داشته است. در فقه به‌عنوان بخشی از برنامه زندگی بشر بایی به‌نام معاملات وجود دارد که در کتب فقهی تحت عنوان مکاسب و یا متأجر از آن نام برده شده است.

رویکرد دین اسلام در مورد روابط اقتصادی و دادوستدهایی که در دوران قبل از اسلام در بین مردم رایج بوده اغلب به‌صورت امضاء بوده است. گاهی اوقات این امضاء بدین صورت بوده است که اجازه تداوم روابط اقتصادی به‌همان صورت پیشین و بدون تغییر داده شده و در برخی موارد به این شکل بوده که تعدیلات و اصلاحاتی در کیفیت روابط صورت پذیرفته است تا با معیارهای شرع مقدس اسلام تطبیق یابد.

موازینی که بیان شد معمولاً به‌صورت قواعد و اصولی مطرح شده که در حقیقت مشخص‌کننده حدود روابط می‌باشند. یکی از این قواعد، قاعده نفی غرر است. برای غرر هم تعریف لغوی وجود دارد و هم تعریف اصطلاحی که این تعریف با معنای لغوی صرف، دارای تفاوتی است که ذکر خواهد شد.

۱- ۴. تعریف لغوی غرر

غرر (به فتح اول و دوم) واژه‌ای عربی است و معانی گوناگون دارد. «تاج‌العروس» آن را به‌معنای «خطر» آورده است (الزبیدی، ۱۳۰۶ق، ص ۴۴۳). «مجمع‌البحرین» نیز غرر را به «خطر» تفسیر و تعریف کرده است. (به نقل از رفیعی، ۱۳۷۵، بخش اول مبحث اول گفتار نخست). در فرهنگ دهخدا غرر به‌معنای «هلاکت» (دهخدا، ۱۳۲۵ش، ص ۱۴۸) و در فرهنگ معین به‌معنای «خطر» و «فریب خوردن» آمده است (معین، ۱۳۶۰ش، ص ۲۴۰۰).

۲- ۴. تعریف اصطلاحی غرر

- نظر امامیه: فقهای امامیه تعاریف متعددی را برای غرر ارائه نموده‌اند که این

اختلاف تعاریف ناشی از اختلاف نظر آنان در مورد ماهیت غرر است. عده‌ای آن را در شرایط مبیع می‌بینند و عده‌ای در شرایط صحت بیع. عده‌ای از فقها غرر را جهل دانسته‌اند (نائینی، ج ۱، ص ۳۷۹ و انصاری، ۱۴۱۸ق، ص ۵) و عده‌ای به‌عنوان نمونه صاحب جواهر غرر را به‌صورت زیر تعریف نموده‌اند:

«غرری که از آن نهی شده است؛ یعنی خطر ناشی از جهل به مقدار و صفات مبیع، نه مطلق خطر؛ زیرا در بیع کالای غایب ضرورتاً خطر حاصل می‌شود و حال آنکه بیع کالای غایب جایز است و یا در بیع سردرختی و محصولات زراعی، مادامی که چیده و درو نشده باشند، غالباً خطر وجود دارد، اما بیع آنها صحیح و معتبر است. بنابراین مراد از غرر، مطلق خطر نیست» (نجفی، ۱۹۸۱م، ص ۳۸۸).

- **نظر اهل سنت:** بیع غرری از نظر حنفیه و شافعیه و حنابله و زیدیه و اباضیه عبارت است از بیع چیزی که وجود و عدم آن دانسته نمی‌شود و یا از نظر کمیت (قلّت و کثرت) مجهول است و یا قدرت بر تسلیم آن وجود ندارد. به‌عنوان نمونه به آنچه در «بحر الزّخار» آمده است:

«معنای غرر عبارت است از تردّد در وجود مبیع، یا تردّد در امکان قبض آن، مانند پرنده در هوا و بیع غرر عبارت است از تردّد و شک نسبت به حصول مبیع و عدم حصول آن بدون هیچ ترجیحی» (ابن‌المرتضی، ج ۳، ص ۲۹۳ و ۳۰۹).

در نهایت می‌توان تعریف زیر را به‌عنوان تعریف اصطلاحی برای غرر ارائه کرد: «غرر احتمال زیان در معامله است که ناشی از ابهام در برخی از جهات معامله باشد که این ابهام نیز به‌واسطه جهل ایجاد شده است». جهات مذکور را با عنوان موارد غرر بیان می‌کنیم.

۵. موارد غرر

غرری که سبب ایجاد احتمال زیان و نیز دعوی در معاملات می‌شود، ممکن است ناشی از موارد چندی باشد. از جمله شرایط صحت بیع، شرایطی که به‌عنوان شرط ضمن عقد گنجانده می‌شوند - که البته برخی آن را ذیل اوصاف مبیع مطرح می‌کنند - و نیز شرایط مربوط به متبایعین و نیز شرایط عوضین. با توجه به این مسئله،

می‌توان مهمترین موارد غرر را برشمرد که عبارتند از:

نخست، موردی که اطمینانی به اصل وجود مبیع نیست؛ به عبارت دیگر نسبت به وجود مبیع تردید و جهل وجود دارد؛ یعنی احتمال موجد خطر و غرر، ناشی از عدم اطمینان به وجود مال است، مانند فروش میوه بر سر درخت قبل از بدو صلاح^۱. معامله چنین کالایی غرری است، چون ممکن است میوه مورد نظر هرگز نماند. شاید تصور شود که جواز مواردی چون بیع سلم با این مورد ناسازگار باشد. در پاسخ باید گفت که منظور از شرایط ابهام یعنی عدم وجود احتمال عرفی برای ظهور یا بقاء مال در زمان تحویل است. یعنی عرف معمولاً به بقاء مال تا زمان تحویل اطمینان ندارند. به عنوان مثال به نظر صاحب شرایع استناد می‌کنیم که شرط ششم در بیع سلم را «غلبه وجود» موضوع معامله به هنگام تحویل می‌داند (المحقق الحلی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۸). یعنی مبیع باید به گونه‌ای باشد که به طور غالب در زمان تحویل وجود داشته باشد گرچه در وقت عقد معدوم باشد.

دوم، موردی که تسلیم یا دریافت مبیع قطعی نباشد. هر چند به وجود مبیع در هنگام تحویل علم داشته باشیم، مانند فروختن ماهیان مملوکی که در آب دریا رها شده باشند یا پرندگان مملوکی که در هوا رها شده باشند و معمولاً عادت به بازگشت ندارند.

سوم، موردی که اوصاف شی که در تقاضا و قیمت کالا مؤثر است مبهم باشد. اگرچه مورد معامله موجود و قدرت بر تسلیم و دریافت آن وجود داشته باشد. مانند خرید و فروش کالایی که ویژگی‌های جنس یا اوصاف آن مجهول باشد یا فروش خانه، بدون تعیین دقیق مکان، ابعاد ساختمان، مقدار زیربنا و سایر مشخصات مؤثر در قیمت، درحالی‌که به وجود خانه و امکان تسلیم آن در زمان تحویل اطمینان وجود

۱- بدو صلاح، مرحله‌ای از تکامل میوه بر سر درخت است که هسته بسته و از صورت گل بودن خارج شده و به مرحله رسیدن میوه و قابلیت چیدن نرسیده است؛ احتمال ماندگاری میوه در مرحله بدو صلاح بسیار زیاد است.

دارد. البته سه مورد بیان شده دامنه وسیعی دارند که می‌توانند شامل شرایط صحت بیع، شرایط متبایعین و نیز شرایط عوضین باشند.

۶. مبانی قاعده نفی غرر

مقصود از مبانی در اینجا، اساس و حکمت وضع قاعده است؛ به تعبیر دیگر، درصدد بیان «فلسفه حکم» هستیم. اصل داراشدن بلاجهت و جلوگیری از ضرر و اصل اتقان در عمل و جلوگیری از نزاع مبانی قاعده نفی غررند.

۱-۶. اصل دارا شدن بلاجهت و جلوگیری از ضرر

هرچند این اصل در کتابهای فقهی به‌عنوان مبانی قاعده یاد شده، ذکر نمی‌شود، لکن نباید چنین پنداشت که حقوق اسلام با مفهوم استفاده نامشروع و دارا شدن بلاجهت بیگانه بوده و فقیهان اسلامی درباره آثار آن سخنی نگفته‌اند. در سوره مبارکه نسا، آیه ۲۹ قرآن مجید در این مورد به‌صورت کلی اشاراتی شده است و اکثر مفسران معاملات غرری را از جمله مصادیق بارز باطل (اکل مال به باطل) می‌دانند.

استیفای نامشروع و دارا شدن بدون جهت به ضرر و ظلم منتهی می‌شود. زیرا نتیجه معامله که همان دارا شدن شیء معادل ثمن است، در معامله غرری حاصل نمی‌شود و به این دلیل یکی از طرفین بدون جهت بیش از استحقاق خود مالک می‌شود و دیگری بدون جهت و بدون عوض مالی را از دست می‌دهد و این ضرر است و ضرر در اسلام ممنوع است (لاضرر و لااضرار فی الاسلام). به‌همین دلیل معامله غرری از نظر اسلام مشروع نمی‌باشد.

۲-۶. اصل اتقان در عمل و جلوگیری از نزاع

از جمله اصولی که مبنایی برای منع معاملات غرری محسوب می‌شود، «اصل اتقان در عمل» است (محقق داماد، ۱۳۷۰، ص ۱۵۶)؛ یعنی افراد باید همواره معاملات و عقود بین خود را محکم و استوار و بی‌خلل پدید آورند و از سهل‌انگاری و سست بنیادی در کارها اجتناب نمایند. زیرا سهل‌انگاری در قراردادهای و روابط تجاری به غرر و احتمال خطر منجر می‌شود و یکی از حکمتها و فلسفه‌های منع معامله غرری با توجه به اصل

یاد شده، جلوگیری از مسامحه‌هایی است که به غرر می‌انجامد^۱. چنانکه بسیاری از فقیهان در کتابهای فقهی خود و نیز حقوق‌دانان به جلوگیری از نزاع و خصومت به‌عنوان یکی از حکمت‌های وضع قاعدهٔ نفی غرر اشاره کرده‌اند. به‌عنوان نمونه صاحب‌عناوین می‌گوید:

از روش شارع استنباط می‌شود که بنای شرع بر از بین بردن اختلاف و منازعه و قطع تجاذب میان مردم است و بدون شک، «غرر» از اموری است که موجب اختلاف و مشاجره می‌شود. پس روش حکیمانه اقتضا می‌کند که ریشه این نزاع از بین برود (مراغه‌ای، ۱۲۹۷ق، ص ۲۶۸).

اکنون پس از تبیین مفهوم غرر و نیز اثبات بطلان بیع غرری و همچنین ارائهٔ توضیحاتی در مورد ابزار مالی اختیار معامله به بررسی این نکته می‌پردازیم که آیا معاملات ابزار مالی اختیار معامله (در این مقاله اختیار خرید سهام) جزء معاملات غرری‌اند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید مشخص شود که آنچه به‌عنوان معاملات ابزار اختیار معامله امروزه در جهان رایج است را در چه قالب معاملاتی می‌توان مطرح کرد؟

۷. بررسی اختیار معامله در دو بخش

همان‌گونه‌که مشخص است مجموعهٔ عملیاتی که در معاملهٔ این ابزار صورت می‌گیرد به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول همان معاملهٔ اولیه بین مالک دارایی پایه یا اولین عرضه‌کنندهٔ اختیار معامله و اولین خریدار است و بخش دوم عملیات مربوط به مبادلهٔ اختیار بین اولین خریدار و خریدارهای ثانویه است. به‌عبارت دیگر مرحلهٔ اول،

۱- در مورد تنظیم سند بین متعاملین در سوره بقره آیه ۲۸۲ چنین آمده است: «یا آیهها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتوبوه... ای اهل ایمان هرگاه در مقام تجارت، دادوستد، قرض، وثیقه و امثال آن برآیید، باید آن را با تاریخ مشخص و دقیق بنویسید...». این حکم خود یکی از مصادیق رعایت اصل «اتقان در عمل» است که اسلام (نظام حقوقی اسلام) افراد را به رعایت آن در قراردادها و روابط تجاری امر نموده است (به نقل از محمد تقی رفیعی، همان).

مرحله شکل‌گیری قرارداد اختیار معامله (اختیار خرید) یا همان شکل‌گیری حق خرید در آینده است و مرحله دوم مربوط به مبادله حق ایجاد شده است. بخش اول قرارداد را به صورت معاوضه بین ثمن و تعهد فرد صادرکننده اختیار می‌توان مطرح کرد.

۱-۷. معامله اولیه اختیار در قالب معاوضه تعهد با ثمن

بخش اول معامله اختیار را به این صورت می‌توان در نظر گرفت که فردی که نیازمند سهام در آینده است - یعنی خریدار اختیار - به فرد صادرکننده آن در ازای تعهدی که می‌دهد (و به واسطه این تعهد به او اختیار خرید می‌دهد) مبلغی را در مقابل تعهد می‌پردازد. در این بخش اگر دقت بیشتری شود می‌توان دریافت که این تعهد در حقیقت گذشتن از حق خود است. افراد طبق حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» دارای سلطنت بر مال خود هستند و چنین سلطنتی ایجاد حق مبادله برای افراد می‌کند. حال فرد می‌تواند به واسطه تسلطی که دارد از این حق خود در ازای دریافت عوض بگذرد و در حقیقت حق مبادله کالای خود را در ازای تعهدی یا به بیان دیگر در ازای یک عقد به دیگری منتقل کند. چنین استدلالی با توجه به عمومات ادله صحت معاملات در اسلام از قبیل مفاد آیه شریفه «...او فوا بالعقود...» و نیز مفاد آیه ۳۹ سوره مبارکه نساء و آیات مشابه آن و نیز مفاد حدیث شریف «المؤمنون عند شروطهم» صحیح به نظر می‌رسد. اما در مورد بخش دوم معامله که موضوع اصلی بحث در این مقاله است، یعنی معامله اختیار در بازار ثانوی، باید گفت که می‌توان آن را در قالب بیع حق مطرح کرد.

۲-۷. بخش دوم معامله اختیار در قالب بیع

وقتی اختیار معامله برای فردی ایجاد و قرارداد آن تنظیم می‌شود، برای فرد دارنده اختیار، حقی برای انجام معامله در آینده با شرایط مندرج در قرارداد ایجاد می‌شود. از لحظه بعد از انعقاد قرارداد اولیه، به دلیل تغییر برخی شرایط، قیمت اختیار نیز تغییر خواهد کرد. لذا این اختیار دارای ارزش می‌شود.

از آنجا که این حق، به موجب قرارداد وجود دارد و همان‌طور که مشخص است دارای ارزش است؛ لذا مورد رغبت عقلاء و عرف می‌باشد و مورد معامله قرار

می‌گیرد. در این بخش درصدد هستیم تا این معامله را با عنوان بیع حق مطرح نموده و مسئله‌ی غرر را در آن بررسی نماییم.

برای نیل به این منظور ناچار ابتدا ماهیت و تعریف بیع ارایه می‌شود. در گام بعدی خصوصیات عوضین از منظر فقهای امامیه و در مرحله‌ی بعد قابلیت حق برای مبیع قرار گرفتن و دلایل مربوط به این ادعا و در پایان مسئله‌ی غرر در اختیار معامله بیان و بررسی می‌شود.

۱-۲-۷. ماهیت و تعریف بیع

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب البیع، ماهیت بیع را اعطاء اضافه یا نسبت با مال در برابر عوض دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۳، ص ۱۴) و تعریف زیر را ارایه نموده‌اند: «بیع مبادله‌ی مال به مال و متقوم به ایجاب و قبول است» (امام خمینی، ۱۳۶۳، ص ۴۲).

۲-۲-۷. شرایط عوضین در بیع

حضرت امام خمینی (ره) شرایط زیر را برای عوضین ذکر نموده‌اند که تعدادی از آنها با آنچه سایر علماء ذکر کرده‌اند مشترک و تعدادی نیز متفاوت است: نخست، عین بودن مبیع (احتیاطاً) و اینکه مالیت داشته باشد؛ دوم، تعیین مقدار آنچه با پیمانانه یا وزن یا شمردن، اندازه‌گیری می‌شود با همان واحد، در مورد عوضین؛ سوم، شناختن جنس عوض و معوض و اوصاف آنها که به واسطه‌ی آنها قیمت، تفاوت پیدا می‌کند؛ چهارم ملک بودن و آزاد بودن عوضین، مثلاً فروش آب و علف بیابان قبل از به چنگ آوردن آن و ماهی‌ها و حیوانات وحشی پیش از صید آنها و... جایز نیست؛ چراکه ملک فروشنده نیستند و پنجم، قدرت داشتن بر تسلیم عوضین؛ از این رو بیع پرنده‌ی مملوک که در هوا می‌پرد و ماهی مملوک، وقتی در آب رها شده و... جایز نیست (اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۸۲). یکی از مسائلی که در مورد شرایط عوضین همواره محل بحث بوده، قابلیت مبیع قرار گرفتن حق است. بنابراین در ادامه این موضوع بررسی می‌شود.

۳-۲-۷. آیا می‌توان حق را مبیع قرار داد؟

برای بررسی این مورد دو گروه از آراء وجود دارد: عده‌ای معتقدند که می‌توان حق

را مبیع یا به عبارت دیگر معوض و همچنین عوض قرار داد و عده‌ای نیز معتقدند که نمی‌توان حق را از عوضین قرار داد. از گروه اول نظر حضرت امام (ره) و از گروه دوم نظر شیخ انصاری بیان می‌شود.

شیخ انصاری در کتاب مکاسب ابتدا حق را به اقسامی تقسیم نموده‌اند و در مورد قابلیت عوض قرار گرفتن هر کدام از این انواع به بحث پرداخته‌اند. سه نوع حقی که ایشان مطرح کرده‌اند عبارتند از حقوق قابل انتقال و قابل اسقاط، حقوق غیرقابل انتقال ولی قابل اسقاط و حقوق غیرقابل انتقال و غیرقابل اسقاط. ایشان در مورد دو نوع اول عدم قابلیت انتقال را دلیل عدم امکان مبیع قرار گرفتن و در نوع سوم مال نبودن حق و نیز ظهور کلمات فقهاء در حصر ثمن در مال را دو دلیلی می‌دانند که به واسطه آن حق نمی‌تواند مبیع قرار بگیرد (انصاری، ۱۴۱۸ ق، ص ۸-۹).

اما عده‌ای از فقها از جمله حضرت امام خمینی (ره) نظری غیر از این دارند. ایشان معتقد است که حق اعتباری خاص می‌باشد که سلطنت بر پاره‌ای از امور (مثل اسقاط و نقل) از احکام آن می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۶).

ایشان ضمن تقسیم حقوق به انواع مختلف و ارائه توضیحاتی با رد دلایل ارائه شده اثبات می‌کنند که حق را می‌توان هم عوض و هم معوض قرار داد. به‌طور کلی دلایلی که مخالفین بر آن استناد می‌کنند و قابلیت عوض قرار گرفتن را از حق سلب می‌کنند به‌طور خلاصه عبارتند از:

نخست، مبیع می‌بایست حتماً از اعیان باشد. طبق نظر برخی از فقها از جمله حضرت امام (ره) لزومی برای عین بودن مبیع وجود ندارد. چون بیع همان اعطاء اضافه (یا نسبت فرد با شیئی) در برابر عوض است حال هر نوع اضافه‌ای باشد، چه اضافه حق به ذی‌حق یا اضافه مملوک به مالک و یا هر نوع اضافه دیگری. دلیل تبادل اولیه عینیت مبیع به ذهن افراد را ایشان غلبه برمی‌شمرند؛ یعنی در بیشتر موارد، مبیع عین است ولی می‌توان مواردی یافت که مبادله مبیعی که عین نیست نیز به‌عنوان بیع شناخته شود مثل مبادله سر قفلی (امام خمینی، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۶).

دوم، در بیع، تملیک عوضین صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که حق مملوک ذی‌حق نیست

تا بتواند آن را به ملکیت دیگری درآورد و اعتبار حق و ذی‌حق متفاوت از اعتبار ملک و مالک است. در پاسخ به این استدلال نیز ایشان می‌فرمایند که بیع همان اعطاء اضافه در برابر عوض است و اضافه حق به ذی‌حق نیز نوعی اضافه است و به عبارت بهتر مبادله بر سر سلطنت بر مال صورت می‌گیرد، حال این سلطنت به واسطه مالک بودن باشد یا ذی‌حق بودن. این اضافات و نیز سلطنت حاصل از آن از اعتبارات عقلاء است. به‌عنوان مثال در مورد بیع وقف عام یا بیع غلات زکوی (اگر طبق برخی آراء آن‌را جزء ملک کسی ندانیم) با آنکه ثمن آن در ملک کسی وارد نمی‌شود باز هم عنوان بیع از نظر عقلاء بر آنها صادق است (امام خمینی، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۲).

سوم، عدم مالیت حقوق است که در پاسخ به این استدلال باید گفت که تعریف مال در مورد حق نیز صادق است و حق را می‌توان مال به حساب آورد. چرا که مال آن چیزی است که نزد عقلاء ارزشمند است و به‌ازای آن ثمن یا چیز ارزشمند دیگری پرداخت می‌شود. در عرف نیز از این‌گونه موارد که جزء اعیان نیستند، ولی ارزشمندند به‌وفور یافت می‌شود که آثار اعمال و سرقتی از آن جمله‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۳، ص ۳۳).

ایشان در مورد قابلیت معوض قرارگرفتن حق معتقدند که فرقی بین عوض و معوض نمی‌باشد و کثرت موارد استفاده از لفظ، سبب جدایی عوض و معوض شده است. در حقیقت عوضین در قبال اعطاء اضافات اعتباری دو طرف مبادله، منتقل شده‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۸ و ۳۴).

پس از اثبات جواز بیع حق باید به این سؤال پاسخ داد که آیا بیع حقی که در معاملات اختیارات انجام می‌شود، بیع غرری است یا خیر؟ در این روش معامله اختیار خرید سهام بیع حق خرید سهم در آینده در نظر گرفته شده است. به عبارت بهتر معامله اختیار خرید سهام را به این صورت می‌توان تعریف نمود:

«معامله اختیار خرید سهام، بیعی است که در آن فردی که حق خرید تعداد معینی از سهام معین را در زمان معین با قیمت معین دارد (فروشنده اختیار) آن را در ازای دریافت ثمنی به فردی که خواهان آن است (خریدار حق اختیار) واگذار می‌کند».

همان‌گونه‌که مشخص است لزومی ندارد که بیع دوم در آینده که در حقیقت قرارداد بر سر آن بسته شده است حتماً انجام شود و فرد خریدار، قیمت معین را پرداخت کند و تعداد معین سهام را دریافت کند. در حقیقت در عالم واقع و در کشورهای که معاملات اختیارات انجام می‌شود تعداد بسیار کمی از این معاملات به اجرای اختیار و مبادله فیزیکی کالا می‌انجامد و بیشتر مواضع معامله‌ای با انجام معامله جبرانی بسته می‌شود. این مسئله سبب ایجاد شبهه صوری بودن معامله می‌شود؛ چرا که این‌گونه معاملات ممکن است به جدی بودن انشاء معامله لطمه بزند، چون در اکثر موارد، قصد معامله در آینده محقق نمی‌شود و در نتیجه، احتمال صوری بودن معامله تقویت می‌گردد که بحث در مورد آن را به تحقیقات بعدی واگذار می‌نماییم. اکنون موارد سه گانه غرر در این معاملات بررسی می‌شود.

۸. آیا معاملات اختیارات بر روی سهام معاملاتی غرری اند؟

۸-۱. موردی که اطمینانی به اصل وجود مبیع نیست:

در مورد مبیع در بخش دوم معامله اختیارات یعنی حق معامله در آینده، شکی نیست که به واسطه تعهدی که فرد صاحب سهام در ابتدای امر سپرده است، حقی برای طرف مقابل ایجاد شده است. همچنین از بدیهیات است که در هر معامله‌ای به محض انعقاد قرارداد، حقوقی برای طرفین ایجاد می‌شود و به واسطه همین حقوق است که می‌توانند اقامه دعوی نمایند. البته همان‌طور که مشخص است چنین مبیعی (حق معامله در آینده) از مقوله اغراض اعتباری است و چنین مواردی متقوم بر اعتبار عقلاء می‌باشند و همان‌گونه که بیان شد شرع مقدس اسلام نیز مبیع قرار گرفتن چنین مواردی را مخل در صحت معامله نمی‌داند. تنها فرق در این نکته است که برای بروز بیرونی این گونه اغراض اعتباری، از وسایلی استفاده می‌شود که برگه‌های اختیار معامله در این بحث، همان وسیله مورد نظر است. البته صرف برگه قرارداد هیچ دلالتی بر وجود حق ندارد؛ بلکه اعتبار عقلاء است که به آن اعتبار می‌بخشد و شرع نیز اعتبار عقلاء را تأیید می‌کند و برگه قرارداد در حقیقت وسیله‌ای برای بروز بیرونی اعتبار عقلاء و

ایجاد امکان قابلیت نقل و انتقال است. پس وجود چنین حقی از آنجا که برپایه تعهدی بنا نهاده شده که در بخش ایجاد قرارداد توسط مالک سهام سپرده شده است و در شرع مقدس و همچنین نزد عقلاء و عرف، سپردن هرگونه تعهدی ایجاد حق می‌کند و همچنین عموماً آیه «اوفوا بالعقود» و حدیث «المؤمنون عند شروطهم» نیز آن را تأیید می‌کند ثابت می‌شود و ابهامی در اصل وجود آن مطرح نیست و غرری بودن چنین معامله‌ای از این لحاظ منتفی است.

۲-۸. موردی که اوصاف شیء مورد معامله مجهول و مبهم است:

به‌طور کلی ابهام در اوصاف این حق به دو صورت مطرح است: نخست، آیا صفات کیفی چنین حقی یعنی حدود این حق در مورد تعداد، نوع، قیمت و زمان سهام مورد معامله در لحظه انعقاد قرارداد دقیقاً برای طرفین مشخص است یا خیر؟ دوم، آیا صفت «قیمت اختیار» برای طرفین در حین معامله دارای ابهام نیست؟

در پاسخ سؤال اول باید گفت که تقسیم معاملات اختیار به دو گروه معاملات بورسی و معاملات خارج از بورس و وجود قراردادهای استاندارد در بورسها که هرگونه ابهامی را در مورد صفات مبیع برطرف می‌کند و نیز انتشار روزانه اخبار مربوط به معاملات اختیارات در نشریات خبری و نیز ارائه قراردادهای استاندارد و مکتوب کردن مفاد قرارداد برای ممانعت از نزاع آینده از جمله عواملی اند که سبب رفع ابهام از اوصاف مبیع در این معاملات می‌شوند.

برای پاسخ به سؤال دوم ابتدا می‌بایست به تبیین بیشتر شبهه بپردازیم. با توجه به تغییرات مداوم در قیمت سهام که سبب تغییر مداوم در قیمت حق مورد معامله می‌باشد، در نگاه اول این سؤال مطرح می‌شود که آیا این تغییر مستمر قیمت نمی‌تواند سبب ایجاد ابهام در قیمت حق مورد معامله و سبب نامشخص شدن سود و زیان طرفین شود؟ به عبارت دیگر معلوم نیست که فروشنده این حق در آینده ضرر می‌کند یا سود، چون اگر قیمت سهام افزایش یابد او ناچار است که طبق قرارداد سهم را با قیمت پایین‌تر از قیمت بازار به خریدار بفروشد. از سوی دیگر چنانچه قیمت سهام نسبت به قیمت توافقی دچار کاهش شود، خریدار آن سهم را به قیمت کمتر از قیمت

توافقی از بازار تهیه خواهد نمود و از حق خود استفاده نخواهد کرد و به میزان ثمنی که بابت خرید حق پرداخته است متضرر خواهد شد. بنابراین احتمال ضرر برای هر دو طرف معامله در آینده وجود دارد و این ضرر ناشی از ابهام در قیمت آینده سهام و به تبع آن ابهام در قیمت آینده اختیار معامله سهام است و همان طور که واضح است قیمت یکی از اوصاف مبیع یعنی حق معامله در آینده است.

در پاسخ باید گفت که در بحث غرر از لحاظ ابهام در اوصاف مبیع، مسئله ابهام در اوصاف مبیع در حین معامله مطرح است، نه ابهام در اوصاف در زمان آینده و این مسئله یک امر بدیهی است. در معاملات فراوانی که روزانه انجام می شود و مورد تأیید شرع و عقلاء نیز می باشد بسیار اتفاق می افتد که مدتی بعد از انعقاد قرارداد و اتمام معامله یکی از طرفین متضرر می شود، ولی نه شرع مقدس و نه عرف و عقلاء هیچ کدام چنین معامله ای را باطل نمی دانند. چون در زمان انجام معامله هر کدام از طرفین براساس منافع خود چنین معامله ای را انجام داده و سود یا زیان نتیجه طبیعی هر معامله ای است.

در مورد معامله اختیار نیز همان طور که بیان شد این معامله نوعی بیع حق محسوب می شود که هر دو طرف ملزم به رعایت مفاد قرارداد هستند و نیز دو طرف عوض خود را در قبال دریافت معوض پرداخت کرده اند؛ یعنی خریدار اختیار، حق معامله در آینده را و فروشنده، ثمن مورد توافق را به دست آورده اند و اینکه در آینده چه اتفاقاتی می افتد و چه تغییراتی در قیمت کالای مبادله شده (قیمت حق معامله در آینده) صورت می گیرد و این تغییر قیمت باعث سود یا زیان چه کسی می شود تأثیری در صحت مبادله ندارد. چون در حین انجام معامله هر کدام از دو طرف براساس منفعت خود مبادله نموده است و زیانی برای هیچ کدام وجود نداشت.

در نهایت باید گفت که بحث غرری بودن معامله اختیارات از لحاظ وجود ابهام در اوصاف حق مورد معامله نیز منتفی است و ابهامی که موجب غرری بودن معامله شود نمی توان در آن یافت.

۳-۸. موردی که تسلیم یا دریافت مبیع قطعی نباشد

به‌طور خلاصه به دو سؤال در مورد شبهه غرری بودن از لحاظ ابهام در قدرت تسلیم باید پاسخ داد: نخست، آیا برگه‌های استاندارد قرارداد که در بورسهای اختیارات موجودند وسیله مورد قبولی برای بروز خارجی چنین حقی هستند و بروز خارجی ارزشهای اعتباری بدین صورت در بین عقلاء رایج است یا خیر؟ دوم، آیا فروشنده این حق قدرت تسلیم حق را به خریدار آن دارد؟ به عبارت دیگر آیا او چنین سهامی را در زمان معین در اختیار خواهد داشت؟ و اگر در اختیار داشته باشد چه تضمینی برای تسلیم آن به خریدار وجود دارد (احتمال ورشکستگی)؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت: مفهومی که از عبارت «تسلیم کردن» در وهله اول به ذهن متبادر می‌شود، همان مفهومی است که در مورد تسلیم اعیان وجود دارد و همان‌گونه که مشخص است انجام تسلیم به آن صورت که در مورد اعیان صورت می‌پذیرد در مورد مسائل اعتباری مثل حق ممکن نیست. چون مسائل این چنین، وجود فیزیکی ندارند که بتوان آنها را به صورت فیزیکی منتقل کرد. در مورد مسائل اعتباری معمولاً از وسایل بروز خارجی استفاده می‌شود. مثلاً در جوامع امروزی از کاغذ اسکناس استفاده می‌شود که به‌خودی خود دارای ارزش نیست؛ ولی به دلیل اعتبار دولت و همچنین عقلاء در مورد آن، در قبال پرداخت آن می‌توان کالا دریافت کرد. در مورد حق ایجاد شده در بحث اختیار معامله نیز برگه‌های قرارداد استاندارد در بورسها ایجاد شده است که مبین وجود چنین حقی است و عملیات لازم از جمله نقل و انتقال و نیز استفاده از این حق و... را می‌توان از طریق آن انجام داد.

در پاسخ به سؤال دوم نیز باید به دو نکته توجه داشت: نخست، اینکه چنین احتمالاتی تا حدودی طبیعی است و در هر معامله‌ای وجود دارد و عقلاء تا حد معینی از این نوع ابهام را موجب غرر نمی‌دانند. به هر حال برای هر معامله‌کننده‌ای این احتمال وجود دارد که روزی ورشکست شود و نتواند به تعهد خود عمل کند، ولی این احتمال کم را عقلاء به‌عنوان ریسک طبیعی معامله می‌پذیرند. نکته دوم در مورد ریسکهای احتمالی بیش از حد معمول است. چنین قراردادهایی قبل از اینکه به

سررسید برسند چندین بار مبادله می‌شوند و تعیین اعتبار برای هرکدام از طرفین به تنهایی کار دشواری است. از جمله مهمترین ریسک‌هایی که سرمایه‌گذاران در بخش اختیار معامله در بورسها با آن ممکن است مواجه شوند، ریسک اعتباری است. ریسک اعتباری ممکن است ناشی از این امر باشد که یکی از طرفین قادر به تسلیم مورد معامله نباشد، حال این مورد می‌تواند شامل ثمن یا مثن باشد. برای رفع این مشکلات و مقابله با ریسک اعتباری و به عبارت دیگر برای رفع مشکل ابهام در قدرت هریک از طرفین بر تسلیم مورد معامله اتاق پایاپای ایجاد شده است. با دقت در سازوکار عملیات اتاق پایاپای می‌توان نتیجه گرفت که امکان تخلف از تسلیم مورد معامله از آنجا که اتاق پایاپای وظیفه تسویه معاملات را به عهده دارد به حداقل ممکن می‌رسد و درصد کمی از احتمال عدم قدرت بر تسلیم نیز که باقی می‌ماند میزانی معقول است و در همه معاملات نیز چنین احتمالی وجود دارد و عقاء این حد از احتمال عدم قدرت بر تسلیم را موجب غرر نمی‌دانند. به علاوه مؤسساتی در کشورهایی که چنین معاملاتی در آنها در حد بسیار زیاد انجام می‌شود به وجود آمده‌اند که شرکتها و سهام را براساس میزان اعتبار آنها رتبه‌بندی می‌کنند که این رتبه‌بندی ملاک بسیار خوبی در ارزیابی قیمت سهم و اختیار و نیز اعتبار شرکت است.

بنابراین غرری بودن این معاملات از لحاظ وجود ابهام در قدرت بر تسلیم مورد معامله نیز منتفی به نظر می‌رسد و به‌طورکلی شبهه غرری بودن معاملات اختیارات بر روی سهام نیز با توجه به بحثهای فوق رفع می‌شود.

۴-۸. غرری بودن شرط در معامله

یکی از شبهه‌هایی که در مورد ابزار اختیار معامله مطرح می‌باشد، بحث غرری بودن شرط معامله است. ابتدا باید این نکته را متذکر شویم که در بحث غرری بودن شرط معامله اختلافاتی وجود دارد. شرط در معامله به دو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول شامل شرطهایی است که وجود ابهام در آنها خدشه‌ای به معلوم بودن مبیع در معامله اصلی وارد نمی‌کند و نوع دوم شروطی‌اند که وجود ابهام در آنها سبب ابهام در مبیع و در نتیجه غرری شدن معامله اصلی می‌شود. در مورد اینکه شروط نوع دوم سبب

بطلان عقد بیع می‌شوند اختلافی بین فقها وجود ندارد؛ چون مستلزم غرر در معامله است، اما نوع اول محل اختلاف فقهاست که به دلیل اختصار، به بیان آراء مختلف و پاسخهای فقها نمی‌پردازیم.

اما در مورد شبهه غرری بودن شرایط معامله در مبادلات اختیار، شبهه به این صورت مطرح می‌شود که در ضمن بیع حق مذکور و همان‌گونه که در قرارداد اختیار نیز مندرج است، در اختیار معامله آمریکایی به‌طور ضمنی شرط می‌شود که فرد خریدار، می‌تواند از حق خود در هر روز که بخواهد تا تاریخ سررسید استفاده کند. چنین شرطی دارای ابهام است؛ یعنی زمان استفاده از حق و اجرای اختیار به‌طور دقیق معلوم نیست که مستلزم غرر است. در پاسخ به این شبهه باید گفت که ابهام بیان شده در زمان، در سایر معاملات نیز وجود دارد و در حد قابل قبول است. چون محدوده آن مشخص است و با قرار دادن زمان انقضای قرارداد آنرا محدود کرده‌ایم. برای توضیح بیشتر اختیار معامله اروپایی بررسی می‌شود. در اختیار معامله اروپایی نیز این ابهام در حد کمتر وجود دارد؛ چرا که وقتی در قرارداد، روز ۲۵ اسفند به‌عنوان تاریخ اجرای قرارداد ذکر می‌شود معلوم نیست که منظور از آن دقیقاً کدام وقت از روز است. حال همین مشکل در اختیار آمریکایی نیز وجود دارد که معلوم نیست کدام روز مثلاً در طی سه ماه مدنظر است یا در معاملاتی مثل بیع سلم که مثلاً در قرارداد ذکر می‌شود که در روز ۲۵ اسفند کالا تحویل شود نیز ساعت یا دقیقه تحویل معلوم نیست و همه این مسائل ناشی از این است که زمان مفهومی بسیط است و به هر مقدار که آن را محدود کنیم باز هم ابهام در آن وجود دارد. مثلاً اگر بگوییم معامله در ساعت ۹ صبح انجام شود باز هم این ابهام وجود دارد که در کدام دقیقه و همین‌طور ادامه می‌یابد. از این‌رو تنها به خارج کردن معامله از حالت بی‌نهایت و غیرمحدود اکتفا می‌شود و به تعریف زمانی برای پایان مدت مجاز برای معامله اکتفا می‌شود و از معلوم کردن جزییات که در مورد زمان، امری غیرممکن است پرهیز می‌شود. چون به فرض که این کار ممکن باشد مستلزم عسر و حرج است.

- **نظر اهل سنت:** عده‌ای از دانشمندان اهل سنت در مورد اختیار معامله به این نتیجه رسیده‌اند که معاملات اختیار معاملاتی غرری‌اند؛ چراکه این معاملات مستلزم معامله

کالایی است که قیمت آن در زمان اجرای قرارداد مشخص نیست و این ابهام در قیمت کالا مستلزم غرر در صفات مبیع است که سبب بطلان معامله می‌شود (عبداللہ، ۱۹۹۹م، ص ۱۵-۱۶).

همان‌طور که در بخش ابهام در صفات مبیع نیز توضیح داده شد، معامله در حقیقت مبادله حق و ثمن است و تغییرات قیمت دارایی پایه تأثیری در این مبادله ندارد. مهم صفات حق مذکور و ثمن پرداخت شده است که هر دو معین است و ابهامی در آن نیست.

۹. خلاصه و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد شرع مقدس اسلام همواره برای همه انواع معاملات، حدود و ثغوری معین کرده است که با عنوان قواعد و منہیات از آنها یاد می‌شود. از جمله این منہیات قاعده نفی غرر است که طبق آن انجام هرگونه معامله‌ای که در آن خطری ناشی از وجود ابهام در اصل وجود مبیع، قدرت بر تسلیم و دریافت مبیع و صفات مؤثر در قیمت و تقاضای مبیع وجود داشته باشد و این خطر نیز احتمال بروز زیان برای طرفین را در خود دارا باشد ممنوع شده است. مبادله اوراق اختیار معامله که نوعی بیع حق به شمار می‌رود از جمله معاملاتی است که شبه غرری بودن در مورد آن مطرح است. برای بررسی غرری بودن این قراردادها ابتدا معامله این قراردادها با عنوان بیع حق مطرح و با توجه به نظر حضرت امام (ره) اثبات شد که بیع حق جایز است و در مرحله بعدی غرری بودن این معاملات بررسی شد. در نهایت می‌توان گفت که این معاملات از دیدگاه فقه امامیه از هر نظر (اصل وجود، اوصاف، قدرت بر تسلیم و دریافت مبیع) غرری نیست. البته شبهه‌ای که به این معاملات وارد است صوری بودن معامله است که به علت خارج بودن از موضوع مقاله به تحقیقات بعدی واگذار شده است.

۱۰. برخی از کاربردهای ابزار اختیار معامله

در پایان به منظور تبیین اهمیت ابزار اختیار معامله تعدادی از زمینه‌های کاربرد این

ابزار ارایه می‌شود. از جمله مهمترین مواردی که از ابزار اختیار معامله در جهان امروز استفاده می‌شود و اتفاقاً در کشور ما نیز زمینه خوبی برای استفاده از آن وجود دارد مبادلات نفت و فرآورده‌های آن است. از آنجا که نفت دارای بالاترین رقم مبادلات در میان کالاهاست؛ از این‌رو مسئله نوسان قیمت آن حتی به میزان بسیار اندک می‌تواند آثار زیادی در اقتصاد کشور ایجاد کند؛ از این‌رو استفاده از ابزارهای مشتقه در مدیریت ریسک مربوط به مبادلات آن می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. دیگر موردی که در بحث کاربردهای اختیار معامله می‌توان به آن اشاره کرد مبادلات برخی از خشکبارهای صادراتی است. در بحث غلات و به خصوص گندم نیز همان‌گونه که از سیر صعودی تولیدات، پیداست تا چند سال آینده ایران می‌تواند به یکی از صادرکنندگان مهم گندم در دنیا تبدیل شود. برای رقابت با سایر کشورهای که در این زمینه فعالیت می‌کنند می‌بایست همواره با ریسکهای ناشی از نوسان قیمتها و ریسکهای ناشی از مسئله زمان به مقابله برخاست، به‌ویژه که در زمانهای مختلف اقتصاد کشور در معرض تحریمهای مختلف نیز قرار دارد و این مسئله بر میزان ریسک مبادلات می‌افزاید. ابزار اختیار معامله می‌تواند گزینه خوبی برای مقابله با این ریسکها باشد به‌ویژه که در برخی از کشورها بورسهایی برای این‌گونه مبادلات وجود دارد و می‌توان از تجارب آنها نیز استفاده کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. اسلامی، علی (۱۳۶۸)، ترجمه تحریر الوسيله، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. امامی، حسن (۱۳۶۶)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات ابن سینا.
۵. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۰)، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان.
۶. خامنه‌ای، محمد (۱۳۵۹)، بیمه در حقوق اسلام، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. درخشان، مسعود (۱۳۸۳)، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، فرهنگ دهخدا، تهران، چاپخانه مجلس.
۹. رازی، ابوالفتح، تفسیر رُوح الجنان و رُوح الجنان، جلد دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، (بی تا).
۱۰. رفیعی، محمد تقی، «بررسی تطبیقی غرر در معامله»، www.tebyannet.com
۱۱. صدیقی، محمدنجات (۱۳۷۱)، بیمه در سیستم اقتصادی اسلامی، ترجمه واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات دنا.
۱۲. صفی پور، عبدالرحیم، منتهی الارب فی لغه العرب، انتشارات کتابخانه سنایی، (بی تا).
۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۴)، تفسیر المیزان (دوره ۲۰ جلدی)، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ دوم، تهران، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۱۴. بخش ترجمه دیوان داوری دعاوی ایران (۱۳۶۸)، فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی - فارسی.
۱۵. فطانت، محمد؛ آقاپور، ابراهیم (۱۳۸۰)، طراحی ابزار مالی اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی کشور.
۱۶. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۰)، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ سوم، تهران، ناشر، اندیشه‌های نو در علوم اسلامی.
۱۷. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۲)، تفسیر نمونه (۲۷ جلدی)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۵۷)، کشف الاسرار و عده الابرار (ده جلدی)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۰. ابن المرتضی، احمد بن یحیی، البحر الزخار الجامع لمذاهب الاعصار، صنعاء، دارالحکمة الیمانیه، (بی تا)، افسر قاهره، دارالکتب الاسلامی.
۲۱. ابوجیب، سعدی (۱۴۰۲)، القاموس الفقہی، انتشارات دارالفکر.
۲۲. ابی حنیفه النعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون التمیمی المغربی (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضاء و الاحکام، چاپ دوم، مصر، دارالمعارف.
۲۳. انصاری شیخ مرتضی (۱۴۱۸ق)، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم، مؤسسه الهادی.

٢٤. البعلبكي، روى (١٩٨٨م)، المورد، قاموس عربى - انكليزى، چاپ اول، بيروت، دارالعلم للملايين.
٢٥. الخمينى الموسوى روح الله (١٣٦٣)، كتاب البيع، قم، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان.
٢٦. الزبيدى، محمد مرتضى (١٣٠٦ق)، تاج العروس من جواهر القاموس (ده جلدى)، چاپ اول، بيروت، منشورات دار مكتبه الحياه.
٢٧. زين الدين الجبى العاملى (الشهيد الثانى)، الروضه البهيه فى شرح اللغه الدمشقيه، تصحيح سيد محمد كلانتر، بيروت، دارالعالم الاسلامى.
٢٨. شهيد اول (١٣٠٨ق)، قواعد، چاپ سنگى، (بى نا).
٢٩. طبرسى، امين الدين ابوعلى الفضل بن الحسن (١٣٦٧ش)، تفسير جوامع الجامع، تصحيح و تعليق دكتور ابوالقاسم گر جى، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران و مركز مديريت حوزه علميه قم.
٣٠. شيخ طوسى (١٤١١ق)، خلاف فى الفقه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علميه قم.
٣١. محقق حلى (١٤٠٣ق)، شرايع (در ٢ مجلد)، چاپ سوم، بيروت، افست تهران.
٣٢. مراغه‌اى، ميرفتاح (١٢٩٧ق)، عناوين، چاپ سنگى، (بى نا).
٣٣. موسوى خوئى، سيد ابوالقاسم (١٣٧٧ش)، مصباح الفقاهه، چاپ اول، انتشارات داوری قم، به قلم محمد على توحيدى تبريزى.
٣٤. نائينى، ميرزا حسين، منية الطالب، تقريرات موسى نجفى خوانسارى، قم، انتشارات مكتب محمديه، (بى تا).
٣٥. نجفى، شيخ محمد حسن (١٩٨١م)، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، چاپ هفتم، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٣٦. نراقى، ملا احمد (١٢٤٥ق)، عوائد الايام، چاپ سنگى (بى نا).
٣٧. نورى الطبرسى، ميرزا حسين (١٣٨٣ق)، مستدرک الوسائل، چاپ سنگى، افست تهران، انتشارات مكتبه الاسلاميه.
٣٨. الوهب، ابراهيم اسماعيل (١٣٦٧ق)، القاموس القانونى، انكليزى - عربى، چاپ لبنان، (بى نا).
٣٩. امام خمينى، روح الله (بهار ١٣٧٤ش)، «مبحث بيمه»، تقريرات محمد گيلانى، نشره فقه اهلبيت (ع)، سال اول، شماره اول.
٤٠. طالب احمدى، حبيب (١٣٨٠ش)، «تأثير غرر در معاملات»، مجله علوم اجتماعى و انسانى دانشگاه شيراز، دوره هفدهم، شماره اول.
41. Obaidollah, Mohammad, "Islamic risk management: towards greater risk and efficiency", *ximb.stpbh.soft.net*.
42. Obaidollah, Mohammad, "Islamic financial option", *ximb.stpbh.soft.net*.
43. Obaidollah, Mohammad, "Financial Options in Islamic Contracts: Potential Tools for Risk Management", *J.KAU: Islamic Econ., Vol: 11, pp:3 - 26 (1419 A.H / 1999 A.D)*.
44. Ayub, Mohammed (2001), "Derivatives & Islamic Options", *International Journal of Islamic Financial Services*, www.islamic-finance.com.
45. Abd -ol- Rahman, Yahya (2001), "Islamic Instruments for Managing Liquidity", *International Journal of Islamic Financial Services*, www.islamic-finance.com.

46. William F. Sharpe & Gordon J. Alexander & Jeffery V. Bailey (1995), *Investment*, Prentice Hall.
47. John Adamz and Roger Brown Sword(1988), *Understanding Contract Law*, Fontana press.

